فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار		دوره انتشار			صفحات	۱-۱۸

بررسی چالش‌های دادرسی افتراقی در جرایم اقتصادی

آقای عطاالله واعظی و آقای دکتر محمدعلی چاپاری

گروه حقوق،کیفری و جرمشناسی،دانشگاه ازاد اسلامی، واحد ایلخچی،ایران

گروه حقوق،کیفری و جرمشناسی،دانشگاه ازاد اسلامی، واحد ایلخچی،ایران

چکیده

تحولات نوین در بستر مناسبات مالی و پیدایش شیوه‌های پیچیده در ارتکاب بزهکاری‌های مالی کلان، نظام‌های کیفری معاصر را به سمت اتخاذ الگوهای نوین دادرسی سوق داده است. دادرسی افتراقی در قلمرو جرایم اقتصادی، به عنوان پاسخی سرکوب‌گرایانه و پیشگیرانه به پدیده‌های مخرب نظم عمومی اقتصادی شکل گرفته و با تحدید برخی از تضمینات سنتی دادرسی منصفانه نظیر اصل برائت، حق دسترسی فوری به وکیل مدافع، علنی بودن دادرسی و تحدید مهلت‌های بازداشت موقت تبلور یافته است. این گرایش تقنینی، اگرچه با هدف تسریع در کشف جرم، حفظ ادله مادی و اعاده دارایی‌های نامشروع توجیه می‌شود، لکن در مقام اجرا با تعارضات ساختاری بنیادین میان ضرورت سرکوب رفتارهای مخل امنیت اقتصادی و صیانت از موازین حقوق بشری متهم روبه‌رو می‌گردد. تمرکز مراجع قضایی اختصاصی بر رویکردهای امنیت‌مدار، تعادل حقوقی میان طرفین دعوای کیفری را مخدوش ساخته و مرز میان کشف ادله مشروع و نقض مصونیت‌های دادرسی را باریک و لغزنده نموده است؛ امری که مشروعیت فرآیند کیفری را در ترازوی موازین دادرسی عادلانه با ابهام مواجه می‌سازد. واکاوی ابعاد هنجاری و رویه عملی نشان می‌دهد که چالش‌های این مدل دادرسی صرفا به حوزه دفاع محدود نمانده، بلکه در ساحت تفسیر موسع از عناوین مجرمانه مبهم نظیر اخلال در نظام اقتصادی و تسری قواعد سخت‌گیرانه به جرایم غیرسازمان‌یافته نیز نمود می‌یابد. عدم تفکیک دقیق میان رفتارهای مبتنی بر ریسک مشروع تجاری و سوءنیت مجرمانه کلان، به انسداد جریان سرمایه‌گذاری و ناامنی حقوقی فعالان اقتصادی منجر می‌گردد. افزون بر این، تسری قواعد دادرسی استثنایی به مرحله صدور و اجرای احکام قطعی، از جمله محدودسازی شیوه‌های بازنگری و تجدیدنظرخواهی، سازوکارهای صیانت از صحت آرای قضایی را با مخاطره جدی روبه‌رو ساخته است. بر این مبنا، کارآمدسازی سیاست جنایی در گرو بازنگری تقنینی جهت تحدید قلمرو مراجع اختصاصی، ارائه تعاریف مضیق از ارکان جرایم اقتصادی و استقرار دوباره استانداردهای دادرسی منصفانه است تا از سقوط نظام عدالت کیفری به ورطه کارایی‌گرایی صِرف و نقض اصول حاکمیت قانون پیشگیری به عمل آید.

واژگان کلیدی: دادرسی افتراقی، جرایم اقتصادی، دادرسی منصفانه، امنیت اقتصادی، سیاست جنایی، مراجع اختصاصی.

طبقه‌بندی JEL : فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir

Examining the Challenges of Differential Trial in Economic Crimes

Abstract

New developments in the context of financial relations and the emergence of complex methods in committing large-scale financial crimes have led contemporary criminal systems to adopt new trial models. Differential trial in the realm of economic crimes has been formed as a repressive and preventive response to phenomena destructive to the general economic order and has crystallized by limiting some of the traditional guarantees of a fair trial such as the principle of innocence, the right to immediate access to a defense attorney, the openness of the trial, and the limitation of temporary detention periods. Although this legislative tendency is justified with the aim of accelerating the discovery of crimes, preserving material evidence, and recovering illicit assets, in practice it faces fundamental structural conflicts between the necessity of suppressing behaviors that disrupt economic security and protecting the human rights of the accused. The focus of specialized judicial authorities on security-oriented approaches has distorted the legal balance between the parties to a criminal case and has made the line between discovering legitimate evidence and violating procedural immunities narrow and slippery; which makes the legitimacy of the criminal process ambiguous in the balance of fair trial standards.An analysis of the normative dimensions and practical procedure shows that the challenges of this trial model are not limited to the defense field, but also manifest themselves in the field of broad interpretation of vague criminal titles such as disrupting the economic system and extending strict rules to non-organized crimes. The lack of a clear distinction between behaviors based on legitimate commercial risk and gross criminal malice leads to the blockage of investment flows and legal insecurity for economic actors. In addition, the extension of exceptional trial rules to the stage of issuing and executing final judgments, including limiting the methods of review and appeal, has seriously jeopardized the mechanisms for protecting the accuracy of judicial decisions. Accordingly, the efficiency of criminal policy depends on a legislative review to limit the scope of specialized authorities, provide narrow definitions of the elements of economic crimes, and re-establish fair trial standards in order to prevent the criminal justice system from falling into the abyss of pure efficiency and violating the principles of the rule of law.

Keywords: differential trial, economic crimes, fair trial, economic security, criminal policy, specialized authorities.

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

متن مقاله

پدیداری رفتارهای مجرمانه نوین در عرصه اقتصاد و تسری شیوه‌های پیچیده و سازمان‌یافته به مراودات مالی، نظم عمومی اقتصادی را به یکی از ارکان محوری امنیت ملی در اسناد تقنینی معاصر بدل ساخته است. مواجهه نظام عدالت کیفری با بزهکارانی که از تخصص‌های فنی، ساختارهای شرکتی چندلایه و ابزارهای فراملی مالی بهره می‌جویند، ناکارآمدی سازوکارهای آیین دادرسی عمومی و تضمینات شکلی کلاسیک را در کشف، تعقیب و مهار این دسته‌بندی از افعال مجرمانه هویدا نمود؛ وضعیتی که قانون‌گذار را به استقرار یک رژیم دادرسی افتراقی مشتمل بر مراجع اختصاصی، محدودسازی حقوق دفاعی، توسعه قلمرو قرارهای تأمین کیفری و تحدید شیوه‌های تجدیدنظرخواهی رهنمون ساخت. با وجود این، تقابل ذاتی میان ضرورت کارآمدی و سرعت در اعاده اموال نامشروع از یک سو، و لزوم وفاداری به اصول بنیادین دادرسی منصفانه، منع تحصیل نامشروع دلیل و صیانت از اصل بنیادین برائت از سوی دیگر، بستری از تعارضات مفهومی و ابهامات هنجاری را پدید آورده است. بر این اساس، مسئله محوری در تحلیل سیاست جنایی حاضر، تعیین حدود مشروعیت مداخلات سخت‌گیرانه قضایی و بازشناسی خطوط فاصل میان مبارزه قاطع با اخلالگران اقتصادی و پاسداری از امنیت قضایی و حاکمیت قانون در ساحت رسیدگی‌های کیفری به شمار می‌رود.

مفهوم دادرسی افتراقی

ظهور جلوه‌های پیچیده مجرمانه و دگرگونی در اشکال سنتی جرایم، مدل‌های یکسان‌نگر دادرسی را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته و ضرورت بازنگری در شیوه سنتی رسیدگی را پدید آورده است. این ضرورت، زمینه‌ساز پیدایش الگوهایی گردیده که بر پایه اوصاف بزه، شخصیت بزهکار یا جایگاه مجنی‌علیه بنا شده‌اند. دادرسی افتراقی به عنوان پاسخی ساختاریافته به این نیاز روزافزون در ادبیات حقوق کیفری شکل گرفته است. تحلیل این گفتار مستلزم بررسی مؤلفه‌های ذاتی نهاد دادرسی و سپس بازشناسی خصیصه‌های تشدیدکننده یا تسهیل‌کننده رسیدگی‌های تخصصی است. این دوگانگی مفهومی، نیازمند تشریح دقیق ارکان هر یک از این سازوکارها در بافتار قوانین شکلی است. ایضاً، ارزیابی زمینه‌های تکوین این نهاد، پرده از اهداف واقعی مقنن در اتخاذ رویکردهای غیرعمومی برمی‌دارد. دادرسی‌های خاص همواره میان دو قطب متضاد یعنی تضمین حقوق بنیادین شهروندان و سرکوب قاطعانه پدیده‌های مجرمانه در نوسان بوده‌اند. تبیین این مفهوم، خط‌مشی‌های اساسی مقنن را در تفکیک حوزه‌های رسیدگی آشکار می‌نماید و بستر بررسی‌های تطبیقی را مهیا می‌سازد. شناخت ماهیت چنین سازوکارهایی، پیش‌نیاز بررسی انحراف‌های احتمالی از اصول محاکمه منصفانه است[۱].

مفهوم جرایم اقتصادی و ویژگی‌های آن

تحولات پرشتاب در روابط مالی و تجاری جوامع مدرن، پدیدار شدن رفتارهای مجرمانه‌ای را در پی داشته که با جرایم مالی سنتی تفاوت‌های ساختاری فراوانی دارند. نظام‌های حقوقی برای مقابله با این پدیده‌ها ناگزیر از شناسایی دقیق الگوهای رفتاری نقض‌کننده سلامت اقتصادی هستند. بررسی این مفاهیم، پایه و اساس ساماندهی ابزارهای سرکوب و پیشگیری کیفری در حوزه اقتصاد را شکل می‌دهد. توسعه فعالیت‌های اقتصادی و استفاده از ابزارهای نوین بانکی و بازرگانی، فرصت‌های جدیدی را برای سوءاستفاده‌های کلان فراهم آورده است. این تحولات موجب شده تا قانون‌گذار رفتارهای مخل جریان سالم اقتصادی را در قالبی مستقل از

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

بزهکاری‌های خرد تعریف و جرم‌انگاری نماید. تبیین این پدیده گامی مهم در درک سیاست جنایی تقنینی کشور است[۲].

برای دستیابی به تحلیلی جامع، لازم است که ابتدا معنای دقیق این جرایم روشن شود و سپس ویژگی‌ها و ملاک‌های تفکیک آن‌ها از سایر رفتارهای ممنوعه مورد ارزیابی قرار گیرد. شناخت ویژگی‌های ماهوی و آثار مخرب این اعمال، چرایی تمایل قانون‌گذار به تدوین قواعد ویژه را توجیه می‌کند. همچنین این شناخت به رفع ابهامات موجود در رویه قضایی کمک شایانی خواهد نمود. لذا در قالب این گفتار، ابعاد مختلف این دسته از بزهکاری‌ها بررسی می‌شود. در بندهای آتی، به ترتیب تعریف اصطلاحی، خصوصیات برجسته و نهایتاً ضوابط تشخیص این رفتارها مورد مداقه حقوقی قرار می‌گیرد تا تصویر روشنی از قلمرو مفهومی آن به دست آید.

ویژگی‌های جرایم اقتصادی

یکی از برجسته‌ترین خصوصیات جرایم اقتصادی، ماهیت سازمان‌یافته و پیچیدگی فوق‌العاده شیوه‌های ارتکاب آن‌ها است. مرتکبان این جرایم معمولاً از اشخاص دارای موقعیت اجتماعی مناسب، تخصص‌های عالی مالی و نفوذ اداری هستند که اصطلاحاً یقه سفیدها نامیده می‌شوند. این وضعیت سبب می‌شود که کشف بزه و جمع‌آوری ادله اثباتی با دشواری‌های زیادی همراه باشد[۳].

ویژگی دیگر این پدیده‌ها، ناملموس بودن فوری قربانیان و گستردگی ابعاد خسارت‌های ناشی از آن در سطح جامعه است. برخلاف بزهکاری‌های سنتی که بزه دیده معین و مشخصی دارند، در اینجا کل پیکره جامعه و اقتصاد ملی از پیامدهای رفتار مجرمانه متضرر می‌شوند. این خصیصه، ابعاد مجرمانه را از سطح خصومت‌های فردی به سطوح کلان ساختاری ارتقا می‌دهد. همچنین، استفاده از پوشش‌های قانونی، شرکت‌های صوری و تبانی با شبکه‌های بانکی و ارزی از دیگر مشخصات این نوع جرایم است.

بزهکاران اقتصادی همواره می‌کوشند تا ظاهر اقدامات خود را کاملاً منطبق بر قوانین تجاری جلوه دهند و فرآیند پول‌شویی را درون چرخه رسمی ادغام نمایند. این پنهان‌کاری تخصصی، لزوم به کارگیری ابزارهای کشف نوین را دوچندان می‌سازد[۴].

از این رو، خصلت چندوجهی، کلان بودن ابعاد مالی، استفاده از تخصص‌های حسابداری و پنهان بودن بزه‌دیدگان مستقیم، این دسته از جرایم را به رفتارهایی متفاوت از سایر اعمال مجرمانه تبدیل کرده است. این ویژگی‌ها نیاز به تدوین شیوه‌های دادرسی ویژه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

مبانی توجیهی دادرسی افتراقی

مبانی توجیهی، دربرگیرنده واقعیت‌های عینی و ضرورت‌های اجرایی هستند که دستگاه عدالت کیفری را به سمت ایجاد سازوکارهای ویژه سوق می‌دهند. این مبانی به چراییِ شکست مدل‌های دادرسی عمومی در برابر جرایم اقتصادی پاسخ می‌دهند. جرایم اقتصادی تنها یک تخلف ساده نیستند، بلکه تهدیدی علیه زیرساخت‌های حیاتی کشور محسوب می‌شوند و طبیعی است که نظام حقوقی نسبت به آن‌ها واکنشی متفاوت نشان دهد. این مبانی در واقع توجیه‌کننده هزینه‌های اضافی، تغییر ساختارها و تخصیص منابعی هستند که برای دادرسی افتراقی صرف می‌شود. شناخت این مبانی برای حقوق‌دانان و پژوهشگران ضروری است، چرا که نقد دادرسی افتراقی بدون درک دلایل ایجاد آن، نقد منصفانه‌ای نخواهد بود. از پیچیدگی فنی بزهکاری‌ها تا لزوم تخصص‌گرایی مراجع قضایی و ضرورت صیانت از حقوق دفاعی در بستر این تغییرات، همگی بخشی از پازل دادرسی افتراقی را تشکیل می‌دهند. لذا در این گفتار، با نگاهی به واقعیت‌های موجود در نظام کیفری ایران و چالش‌های پرونده‌های اقتصادی، به بررسی مبانی توجیهی این افتراق می‌پردازیم تا روشن شود

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

که چرا قانون‌گذار مسیر دادرسی را برای این دسته از جرایم متفاوت طراحی کرده است.

پیچیدگی جرایم اقتصادی

پیچیدگی جرایم اقتصادی، اولین و اصلی‌ترین مبنای توجیهی دادرسی افتراقی است. امروزه جرایم اقتصادی دیگر به سبک کلاسیک، مانند سرقت یا کلاهبرداری‌های کوچک، رخ نمی‌دهند؛ بلکه بزهکاران با استفاده از شبکه‌های سازمان‌یافته، شرکت‌های پوششی، ترفندهای پیچیده مالیاتی و دور زدن قوانین گمرکی، ماهیت مجرمانه رفتار خود را در زرورقی از اقدامات قانونی می‌پوشانند. این پنهان‌کاری تخصصی، باعث می‌شود که کشف جرم و انتساب آن به مرتکب، فراتر از توانایی‌های بازپرسان عادی باشد و نیازمند مهارت‌های خاص در تحلیل اسناد و تراکنش‌های مالی باشد. در جرایم اقتصادی، ادله اثبات دعوا ماهیتی کاملاً متفاوت دارند. در اینجا، اقرار متهم یا شهادت شهود، ارزش اثباتی کمتری نسبت به تحلیل‌های حسابرسی و گزارش‌های کارشناسی دارد. داده‌های الکترونیکی، صورت‌های مالی، ترازنامه‌ها و اسناد ارزی، ارکان اصلی پرونده را تشکیل می‌دهند. بررسی این مستندات نیازمند زمان و تخصص است و تشریفات عادی آیین دادرسی که برای پرونده‌های ساده طراحی شده‌اند، توانایی هضم و تحلیل چنین حجمی از اطلاعات فنی را ندارند. بنابراین، دادرسی افتراقی با اعطای اختیارات ویژه برای تحقیق و تفحص به مقام قضایی، این خلاء را پر می‌کند[۵].

علاوه بر این، فرامرزی بودن بسیاری از جرایم اقتصادی، بر پیچیدگی آن‌ها می‌افزاید. پول‌شویی‌های بین‌المللی و انتقال وجوه از طریق صرافی‌های مختلف، ردیابی اموال را بسیار دشوار می‌کند. دادرسی عادی که در صلاحیت‌های سرزمینی محصور است، در مواجهه با چنین پرونده‌هایی به بن‌بست می‌خورد. دادرسی افتراقی با پیش‌بینی ابزارهای همکاری‌های قضایی بین‌المللی و نظارت بر جریان‌های ارزی، سعی در مقابله با این پیچیدگی‌ها دارد. بدون این ابزارها، بزهکاران اقتصادی به راحتی می‌توانند با خروج سرمایه از کشور، از چنگال عدالت فرار کنند[۶].

لذا پیچیدگی فنی و ساختاری جرایم اقتصادی، ناگزیر نظام قضایی را به سمت افتراق در دادرسی سوق می‌دهد. این تغییر نه یک انتخاب، بلکه واکنشی ضروری به تحولات جامعه‌شناختی و اقتصادی است. اگر سیستم قضایی خود را با این پیچیدگی‌ها تطبیق ندهد، عملاً دست از مبارزه با مفاسد اقتصادی شسته است. دادرسی افتراقی در واقع، تلاش سیستم قضایی برای تجهیز خود به ابزارهایی است که با سطح تهدیدات اقتصادی هم‌تراز باشد.

ضرورت تخصصی شدن رسیدگی

تخصصی شدن رسیدگی، دومین مبنای توجیهی مهم برای دادرسی افتراقی است. پرونده‌های اقتصادی مملو از مفاهیم تخصصی نظیر اعتبار اسنادی، ضمانت‌نامه‌های بانکی، بورس، بورس کالا، مفاصای مالیاتی و قوانین گمرکی هستند. قاضی رسیدگی‌کننده اگر صرفاً دانش حقوقی داشته باشد و با این مفاهیم آشنا نباشد، به راحتی می‌تواند تحت تأثیر نظرات کارشناسی مبهم یا دفاعیات فنی وکلای متهم قرار گیرد. تخصصی شدن مراجع رسیدگی، این اطمینان را به جامعه می‌دهد که تصمیمات قضایی بر پایه درک درست از ماهیت فعالیت‌های اقتصادی اتخاذ شده است. تخصص‌گرایی در دادرسی افتراقی، سرعت و دقت را همزمان افزایش می‌دهد. در دادگاه‌های عمومی، پرونده‌های اقتصادی به دلیل طولانی شدن فرآیند کسب نظرات کارشناسی و سردرگمی قضات در تحلیل اسناد، ممکن است سال‌ها به طول انجامند. اما در شعب ویژه که قضات آن آموزش‌های تخصصی دیده‌اند و به صورت متمرکز بر این پرونده‌ها کار می‌کنند، زمان رسیدگی به طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد. این امر از

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

دیدگاه سیاست جنایی، جنبه پیشگیرانه نیز دارد؛ چرا که تسریع در رسیدگی و اجرای حکم، اثر بازدارندگی بسیار بیشتری نسبت به احکام قضایی که سال‌ها بعد صادر می‌شوند، دارد[۷].

علاوه بر این، تمرکزِ پرونده‌های اقتصادی در شعب تخصصی، موجب ایجاد رویه قضایی واحد و مستحکم در این حوزه می‌شود. در نظام‌های حقوقی، تشتت آراء در پرونده‌های مشابه یکپایی خود را با این پیچیدگی‌ها تطبیق ندهد، عملاً دست از مبارزه با مفاسد اقتصادی شسته است. دادرسی افتراقی در واقع، تلاش سیستم قضایی برای تجهیز خود به ابزارهایی است که با سطح تهدیدات اقتصادی هم‌تراز باشد.

سیر تقنینی دادرسی جرایم اقتصادی

سیر تقنینی دادرسی جرایم اقتصادی در ایران را نمی‌توان صرفاً با ارجاع به چند قانون خاص توضیح داد، زیرا این سیر در بطن تحول کلی ساختار دولت، اقتصاد، مفهوم نظم عمومی و نقش دستگاه قضایی در تنظیم مناسبات اقتصادی شکل گرفته است. هرگاه دولت نقش پررنگ‌تری در توزیع، نظارت و مداخله اقتصادی یافته، به همان نسبت، حساسیت نسبت به رفتارهای مخرب اقتصادی افزایش یافته و در نتیجه، ضرورت واکنش‌های کیفری و دادرسی‌های متمایز نیز بیشتر احساس شده است. به همین دلیل، تاریخ این دادرسی تا اندازه زیادی بازتابی از تاریخ رابطه دولت و اقتصاد در ایران معاصر است. از دوره پیش از انقلاب که بسیاری از جرایم اقتصادی در قالب جرایم علیه اموال عمومی، سلامت اداری یا نظم بازرگانی مورد توجه بودند، تا دوره پس از انقلاب که صیانت از بیت‌المال، مقابله با فساد اداری و حمایت از عدالت اقتصادی به محورهای برجسته سیاست کیفری بدل شد، مسیر قانون‌گذاری در این زمینه فراز و فرودهای قابل توجهی را تجربه کرده است[۸].

وجه مهم این سیر، حرکت تدریجی از رسیدگی عمومی و غیرمتمرکز به سوی رسیدگی‌های خاص، تخصصی و گاه فوق‌العاده است. در مراحل ابتدایی، دادرسی جرایم اقتصادی تابع همان تشریفات عام آیین دادرسی کیفری بود و تنها در مواردی محدود، به دلیل اهمیت موضوع، صلاحیت برخی مراجع اختصاصی یا شبه‌قضایی مطرح می‌شد. اما با افزایش حجم پرونده‌های مالی، پیچیده‌تر شدن روش‌های ارتکاب، توسعه جرایم سازمان‌یافته اقتصادی، بروز پرونده‌های کلان فساد و نارضایتی از کندی و پراکندگی رسیدگی‌ها، قانون‌گذار و نهادهای سیاست‌گذار به این جمع‌بندی رسیدند که ابزارهای عمومی، به تنهایی پاسخ‌گوی این حوزه نیست. از همین جا بود که ایده تمرکز پرونده‌ها، ایجاد شعب تخصصی، کاهش اطاله دادرسی، تقویت اختیارات تحقیق و گاه تحدید برخی طرق اعتراض، به تدریج وارد ادبیات تقنینی و قضایی ایران شد. در عین حال، این سیر همواره خطی و هماهنگ نبوده است. گاه قانون‌گذار به سمت تخصصی‌سازی و نهادسازی حرکت کرده و گاه با تصویب مقررات استثنایی و موردی، نوعی پاسخ مقطعی و بحران‌محور ارائه داده است. در برخی مقاطع، تأکید بر سرعت و قاطعیت در برخورد با اخلال‌گران اقتصادی، موجب تقویت عناصر افتراقی شده و در برخی دیگر، دغدغه رعایت اصول دادرسی منصفانه و بازگشت به قواعد عمومی، گرایش معکوس ایجاد کرده است. بنابراین مطالعه این سیر، صرفاً ثبت وقایع تقنینی نیست، بلکه تحلیل یک کشاکش مستمر میان دو قطب کارآمدی و تضمین‌مداری در سیاست جنایی شکلی ایران است. این کشاکش در هر دوره شکل متفاوتی به خود گرفته و آثار متفاوتی نیز بر ساختار دادرسی بر جای گذاشته است[۹].

لذا برای فهم درست وضعیت موجود، باید این سیر در سه مقطع مجزا اما به هم پیوسته تحلیل شود: نخست، دوره پیش از انقلاب که زیرساخت‌های اولیه برخورد کیفری با مفاسد اقتصادی در آن دیده می‌شود؛ دوم، دوره

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

پس از انقلاب که با تغییر مبانی ارزشی و توسعه مداخلات اقتصادی دولت، رویکرد کیفری تشدید شد؛ و سوم، دوره قوانین جدید که در آن، الگوهای تازه‌ای از دادرسی افتراقی، از طریق تخصصی‌سازی دادگاه‌ها، توسعه صلاحیت‌ها و بازتعریف ابزارهای شکلی پدیدار شد. چنین رویکردی به پژوهشگر امکان می‌دهد که هم نقاط گسست و هم عناصر تداوم را شناسایی کند.

مقررات افتراقی ناظر بر شروع و تعقیب

نخستین مرحله از چرخه عدالت کیفری که جلوه‌های افتراق در آن به وضوح نمایان می‌شود، مرحله آغاز رسیدگی و تعقیب دعوای عمومی است. ماهیت پنهان‌کارانه، تبانی‌های گسترده و شبکه‌ای بودن بزهکاری‌های اقتصادی سبب می‌شود تا روش‌های سنتی کشف جرم، نظیر مشاهده مستقیم ضابطان یا شکایت بزه دیده خصوصی، در این حوزه کارایی چندانی نداشته باشند. به همین سبب، نظام کیفری با گذر از الگوهای انفعالی، به سوی اتخاذ تدابیر کنشی و وضع تکالیف ویژه برای اعلام تخلفات مالی حرکت کرده است. این امر موجب دگرگونی در جهات سنتی شروع به تعقیب و بازتعریف نقش سازمان‌های نظارتی و اطلاعاتی گردیده است. مقررات حاکم بر این مرحله، تلاش دارند تا فاصله زمانی میان وقوع رفتار مخل اقتصادی و مداخله دستگاه قضایی را به کمترین میزان ممکن برسانند. این هدف از طریق الزام ساختارهای اداری به گزارش‌دهی، توسعه کانال‌های دریافت گزارش‌های مردمی و اعطای نقش محوری به گزارش‌های تخصصی نهادهای رسمی پیگیری می‌شود. از این رو، تعقیب در جرایم اقتصادی ماهیتی چندوجهی یافته و نیازمند هماهنگی مستمر میان دادسرا و بازوهای نظارتی حاکمیت است[۱۰].

شروع به رسیدگی و تعقیب جرایم اقتصادی

آغاز فرآیند کیفری در پرونده‌های اقتصادی با چالش‌های فنی و حقوقی متعددی مواجه است که ناشی از درهم‌تنیدگی اقدامات مجرمانه با فعالیت‌های به ظاهر مشروع تجاری است. بر خلاف جرایم سنتی که آثار عینی و ملموس آن‌ها به سرعت توجه دستگاه عدالت را جلب می‌کند، در مفاسد مالی معمولاً ظاهرسازی‌های قانونی مانع از کشف سریع نقض هنجارها می‌شود. به همین علت، فرآیند شروع به تعقیب در این حوزه نیازمند دریافت اطلاعات دقیق، تحلیل جریان‌های مالی و ارزیابی داده‌های آماری است تا مرز میان ریسک متعارف تجاری و سوءاستفاده مجرمانه به درستی تفکیک گردد. تعقیب جرایم اقتصادی همچنین متأثر از جنبه عمومی پررنگ این دسته از رفتارها است. به دلیل آنکه بزه دیده اصلی در بسیاری از این پرونده‌ها جامعه، دولت یا نظام بانکی و ارزی است، آغاز رسیدگی به هیچ روی وابسته به اراده و مطالبه اشخاص خصوصی نیست. دادستان به عنوان متولی حفظ منافع عمومی، در این حوزه از ابتکار عمل و تکالیف گسترده‌تری برای پیگیری سرنخ‌های مالی و ورود مستقیم به پرونده‌ها برخوردار است، امری که نشان‌دهنده تغییر جهت سیاست تعقیب به سمت صیانت پیشگیرانه از سلامت مبادلات مالی است[۱۱].

دادرسی افتراقی در تحقیقات مقدماتی

مرحله تحقیقات مقدماتی قلب تپنده دادرسی‌های مالی است؛ چرا که سرنوشت اتهامات سنگین اقتصادی بر پایه کشف ردهای مالی و توقیف به موقع دارایی‌ها در این مقطع رقم می‌خورد. تحقیقات در این پرونده‌ها به سبب پنهان‌سازی‌های سازمان‌یافته، استفاده از هویت‌های جعلی و استفاده از شرکت‌های زنجیره‌ای، با دادرسی‌های عادی تفاوت‌های بنیادین دارد. قانون‌گذار در این مرحله، با وضع قواعدی ویژه به دنبال موازنه‌سازی میان قدرت اثباتی مقام تحقیق و امکان فرار سرمایه‌ها بوده است. بهره‌گیری از ابزارهای مداخله‌گرایانه، گسترش دامنه بازرسی‌ها و تفتیش حساب‌های بانکی، از جمله ممیزات اصلی این مرحله به شمار می‌آید. دادسراها در

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

مواجهه با پرونده‌های کلان ناچارند از الگوهای سنتی معاینه محل گذر کرده و به تحقیقات مبتنی بر فناوری‌های مالی روی آورند. این رویکرد اگرچه شانس کشف فساد را افزایش می‌دهد، اما مخاطراتی را نیز برای حقوق فردی و حریم خصوصی اشخاص به همراه خواهد داشت[۱۲].

شیوه‌های خاص تحقیقات مقدماتی

روش‌شناسی کشف حقیقت در دعاوی اقتصادی مبتنی بر بررسی اسناد، دفاتر کل مالی، قراردادهای بین‌المللی و جریان‌های پولی الکترونیکی است. در این شیوه، بازپرس پیش از هرگونه احضار رسمی یا اتخاذ تصمیم قضایی، نیازمند ترسیم شبکه تراکنش‌ها و تعیین ذی‌نفعان واقعی اقدامات مالی است. از این رو، تحقیقات مقدماتی در این حوزه ترکیبی از تخصص حسابرسی جنایی، مهندسی داده‌ها و تحلیل‌های رفتاری را در بر می‌گیرد که ماهیتی کاملاً افتراقی به این فرآیند می‌بخشد. سرعت عمل در ثبت ردپای دارایی‌ها، از ارکان جدایی‌ناپذیر این شیوه‌ها محسوب می‌شود. هرگونه تأخیر در گردآوری ادله مالی دارد سازوکار ارزیابی مستقل گزارش‌ها در دادسراها تقویت شده و بازپرسان به سامانه‌های تحلیلی مستقل تجهیز گردند[۱۳].

نقش ضابطان خاص

رسیدگی به مظاهر گوناگون فساد مالی و جرایم سازمان‌یافته اقتصادی، ضرورت بهره‌گیری از نهادهای تخصصی کشف جرم را اجتناب‌ناپذیر نموده و جایگاه ضابطان دادگستری را دگرگون ساخته است. ضابطان عام به سبب فقدان دانش عمیق در تحلیل‌های مالیاتی، مبادلات ارزی، بورس و مقررات گمرکی، از تبیین و ردیابی مناسب رفتارهای مجرمانه ناتوان هستند، لذا نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، بازرسی کل کشور و یگان‌های تخصصی پلیس امنیت اقتصادی به عنوان ضابطان خاص، نقش محوری را در ساماندهی پرونده‌های اقتصادی ایفا می‌کنند. ورود این نهادها فرآیند کشف بزه را از حالت انفعالی خارج کرده و آن را به یک سیستم رصد هوشمند، داده‌محور و پیش‌دستانه بدل ساخته است. این دگرگونی اگرچه سرعت واکنش نظام کیفری را به میزان قابل توجهی ارتقا بخشیده، اما جایگاه و ابتکار عمل مقام قضایی در مرحله هدایت تحقیقات را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. گستره اختیارات این دسته از ضابطان در دسترسی به سامانه‌های یکپارچه پولی، سامانه‌های مالیاتی، گمرکات و داده‌های ثبتی، آنان را به اصلی‌ترین منبع استخراج ادله در پرونده‌های کلان بدل ساخته است. برخلاف تحقیقات مقدماتی در جرایم عمومی که متکی بر شهادت شهود، اقرار یا معاینه فیزیکی است، در بستر جرایم اقتصادی، گزارش‌های تنظیمی ضابطان خاص که مبتنی بر تقاطع‌گیری داده‌های دیجیتال و ره‌گیری جریان تراکنش‌ها است، وزن اثباتی بنیادین پیدا می‌کند. این گزارش‌ها غالبا از سوی مراجع قضایی به عنوان اسناد غیرقابل خدشه مفروض گرفته می‌شوند، وضعیتی که به تدریج قاضی تحقیق را از استقلال ارزیابی ادله دور ساخته و ساختار بازپرسی را به گزارش‌های کارشناسی ضابطان وابسته می‌نماید. بر این اساس، قدرت نفوذ ادله تولیدشده توسط ضابطان خاص می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت اتهام و قرارهای تامین کیفری باشد[۱۴].

یکی از چالش‌های حقوقی مهم در مداخله ضابطان خاص، تلاقی وظایف اطلاعاتی-امنیتی با تکالیف قضایی و موازین دادرسی منصفانه است. این نهادها به واسطه ماهیت سازمانی خود، عمدتا با رویکرد حفظ منافع کلان و نگاه حاکمیتی به رفتارها می‌نگرند، موضوعی که ممکن است تمایز میان رفتارهای مجرمانه و خطاهای ناشی از بحران‌های بازار را نادیده بگیرد. علاوه بر این، ابهام در صلاحیت‌های موازی میان دستگاه‌های اطلاعاتی گوناگون در مرحله کشف جرم، گاه به تعارض در گزارش‌های اتهامی و

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

عدم یکپارچگی رویه تحقیقات منتهی می‌گردد. نظارت بازپرس بر کیفیت عملکرد ضابط خاص و لزوم هدایت مستقیم پرونده از سوی مرجع قضایی، اصلی است که برای حفظ سلامت تحقیقات و پیشگیری از جهت‌گیری‌های احتمالی نیازمند تقویت ساختاری است. تاثیرگذاری ضابطان خاص بر تعیین نوع و شدت قرارهای تامین کیفری و تامین خواسته، از دیگر جلوه‌های افتراقی بودن این مرحله از دادرسی است. با توجه به حجم بالای ادعاهای مالی مندرج در گزارش‌های ضابطان، بازپرسان تمایل دارند تا پیش از تکمیل ارزیابی‌های جامع و ترافعی، به صدور قرارهای شدید نظیر بازداشت‌های موقت طولانی‌مدت، ممنوع‌الخروجی، توقیف اموال و انسداد حساب‌های تجاری روی آورند. این تصمیمات قضایی که تحت تاثیر داده‌های مقدماتی ضابطان اخذ می‌شوند، قادر هستند حیات تجاری یک بنگاه تولیدی را به طور کامل متوقف کرده و به ورشکستگی ساختگی یا واقعی آن منتهی گردند. مهار قانونی این آسیب‌ها، مستلزم تقویت استقلال مرجع قضایی، تعریف سازوکارهای نظارت ترافعی بر عملکرد ضابط و تحدید حدود مستندات ضابطان در مقام توجیه محدودیت‌های آزادی اشخاص است[۱۵].

تحقیقات مالی و بررسی منشأ اموال

محور اصلی تحقیقات در بزهکاری اقتصادی، بررسی دقیق منشأ دارایی‌ها و جریان‌های نقدینگی متهمان و بستگان آن‌هاست. بر اساس مقررات مبارزه با پول‌شویی و اصلاحات آن، بازپرسان صلاحیت دارند به سوابق تراکنش‌های بانکی، نقل و انتقالات ثبتی، اوراق بهادار و تعهدات ارزی مظنونان بدون نیاز به رضایت آنان دسترسی پیدا کنند. این فرآیند که به ردیابی مالی شهرت دارد، با هدف تفکیک دارایی‌های مشروع از عواید ناشی از جرم انجام می‌گیرد تا مبنای صدور قرارهای تأمین خواسته و نهایتاً ضبط اموال فراهم گردد. در این مسیر، الزام متهم به اثبات مشروعیت اموال تحصیل‌شده به عنوان یکی از جلوه‌های ویژه تحقیقات پدیدار می‌شود. در حالی که در جرایم عمومی بار اثبات بر دوش مقام تعقیب قرار دارد، در برخی از ابعاد جرایم مالی به ویژه در حوزه پول‌شویی و ارتشاء، با کشف اموال نامتناسب با درآمدهای رسمی، فرض عدم مشروعیت منشأ اموال شکل گرفته و متهم مکلف به ارائه اسناد منشأ می‌گردد[۱۶].

به زعم نگارنده، جابه‌جا شدن بار اثبات دلیل در تحقیقات مالی و الزام متهم به اثبات مشروعیت دارایی‌ها، در مواردی ممکن است مرزهای اصل بنیادین برائت را مخدوش نموده و متهم را در معرض فرض‌های مجرمیت قرار دهد؛ لذا استناد به منشأ نامشروع اموال باید منوط به احراز قطعی پیوند مستقیم دارایی با رفتار مجرمانه اولیه باقی بماند.

محدودیت‌ها و الزامات تحقیقات مقدماتی

انجام تحقیقات در جرایم اقتصادی با الزامات شکلی و در عین حال محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای روبه‌رو است که با هدف جلوگیری از امحاء ادله یا فرار متهمان وضع شده است. ممنوع‌الخروجی متهمان، مسدودسازی سریع حساب‌های بانکی، توقیف اسناد تجاری و پلمب دفاتر اداری از جمله این تدابیر به شمار می‌آیند. این اقدامات تأمینی غالباً در همان ساعات اولیه آغاز بازپرسی و گاه پیش از تفهیم اتهام اتخاذ می‌شوند تا خطر جابه‌جایی سرمایه‌ها به حداقل برسد. این فرآیندها با محدودیت‌هایی در راستای حفظ محرمانگی تحقیقات مواجه است. دسترسی وکلای مدافع به اسناد و پرونده‌های در حال رسیدگی ممکن است به موجب تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری یا ضرورت‌های حفظ اسرار تجاری و دولتی با محدودیت‌های موقت روبه‌رو شود. همچنین متهمان از افشای محتوای اسناد مالی کشف‌شده در راستای صیانت از بازار سهام و سلامت اداری منع می‌گردند[۱۷].

به زعم نگارنده، اعمال محدودیت‌های شدید بر دسترسی متهم و وکیل

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

وی به محتویات پرونده تحت عنوان محرمانه بودن تحقیقات مالی، موازنه دادرسی را به سود نهاد تعقیب برهم می‌زند و کارآمدی حق دفاع را به مخاطره می‌افکند؛ لذا ضروری است محرمانگی تحقیقات به موارد استثنایی و دارای دلایل متقن عقلی و امنیتی محدود شده و اصل بر شفافیت اسناد برای متهم تثبیت گردد.

حقوق دفاعی متهم در تحقیقات مقدماتی

تضمین حقوق دفاعی متهم به عنوان یکی از ارکان بنیادین دادرسی عادلانه، در بستر دادرسی‌های افتراقی مربوط به مفاسد اقتصادی با چالش‌ها و دگرگونی‌های جدی مواجه گردیده است. پیچیدگی فنی دعاوی مالی، لزوم حفظ محرمانگی شیوه‌های کشف شبکه بزهکاری و جلوگیری از تبانی متهمان با اشخاص خارج از فرآیند قضایی، موجب شده است تا قانون‌گذار در اعمال این حقوق رویکردی محدودکننده و توأم با احتیاط اتخاذ نماید. در حالی که ماهیت تخصصی و اسنادی این جرایم ضرورت برخورداری متهم از ابزارهای دفاعی کارآمد، نظیر همراهی مشاوران زبده و دسترسی کامل به اوراق حسابرسی را دوچندان می‌سازد، اما اولویت‌بخشی به کشف سریع واقع و مهار آثار زیان‌بار اقتصادی، موقعیت دفاعی شخص تحت تعقیب را تحت‌الشعاع الزامات امنیتی و کشفی قرار داده است. از این رو، تبیین گستره حقوق متهم و تحدیدات قانونی وارد بر آن در مرحله دادسرا، از حساس‌ترین محورهای ارزیابی منصفانه بودن دادرسی‌های اقتصادی به شمار می‌رود[۱۸].

حق دسترسی به وکیل

حق بهره‌مندی از وکیل دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی جرایم اقتصادی، تحت تأثیر ترتیبات ویژه مندرج در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره مناقشه‌برانگیز آن دچار دگرگونی اساسی شده است. بر اساس تبصره ماده مذکور، در جرایم سازمان‌یافته و همچنین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که بخش معتنابهی از مصادیق کلان اقتصادی مشمول این عناوین قرار می‌گیرند، متهمان مکلفند وکیل خود را منحصراً از میان وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه انتخاب نمایند. این تحدید آشکار بر اصل آزادی انتخاب وکیل مدافع، سبب ایجاد یک دادرسی دوگانه گردیده است؛ به طوری که متهم در حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مرحله دادرسی یعنی تحقیقات مقدماتی که ساختار ادله شکل می‌گیرد، از امکان به‌کارگیری وکلای متخصص در حوزه تجارت، بانکداری، بورس یا وکلای مورد اعتماد خویش محروم می‌ماند[۱۹].

علاوه بر محدودیت در گزینش وکیل، حدود مداخله وی در فرآیند بازپرسی نیز با قیود اجرایی متعددی روبه‌رو است. مطابق قواعد عام دادرسی، وکیل در جریان تحقیقات عمدتاً نقشی نظارتی و سکوت‌محور داشته و صرفاً در پایان جلسه مجاز به ارائه تذکرات یا مکتوب ساختن دفاعیات خویش است، امری که در جرایم اقتصادی با توجه به نیازمندی مکرر به تحلیل‌های فوری حقوقی و حسابرسی حین استنطاق، کارآمدی دفاع را به شدت کاهش می‌دهد. در بسیاری از موارد، حضور وکیل صرفاً جنبه تشریفاتی پیدا کرده و امکان طرح مباحث تخصصی برای رد نظریه‌های اولیه ضابطان سلب می‌شود[۲۰].

به عقیده نگارنده، تفکیک وکلا به گروه‌های مورد تأیید و نامعتبر در حوزه پرونده‌های مالی، نه تنها شائبه نقض اصل بی‌طرفی و استقلال کانون‌های وکلا را تقویت می‌کند، بلکه به دلیل فقدان تخصص تجاری و مالی در میان بسیاری از وکلای برگزیده، کیفیت دفاع فنی متهمان را به شدت تضعیف می‌سازد؛ لذا بازنگری بنیادین در تبصره ماده ۴۸ و اعطای حق

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

بهره‌مندی از وکلای متخصص حوزه حقوق بانکی و اقتصادی، بدون اعمال گزینش‌های اداری، گامی ضروری در جهت برقراری توازن میان طرفین دعوای کیفری خواهد بود.

حق اطلاع از اتهام و دسترسی به پرونده

تفهیم دقیق، سریع و با جزئیات اتهام، پیش‌شرط غیرقابل انکار تدارک یک دفاع مؤثر در دادسرا به شمار می‌آید؛ اما در پرونده‌های اقتصادی، به جهت کلی بودن برخی عناوین نظیر اخلال در نظام پولی یا سوءاستفاده از موقعیت شغلی، تفهیم اتهام غالباً در قالبی مبهم، مجمل و فاقد ارقام دقیق مالی انجام می‌پذیرد. متهم برای پاسخ‌گویی به انتساب‌های وارده، نیازمند آگاهی کامل از مستندات خاص، فاکتورها، گزارش‌های سامانه‌ای و گردش‌های بانکی است که مبنای ادعانامه قرار گرفته‌اند. عدم ارائه این جزئیات در برگه تفهیم اتهام سبب می‌شود که متهم نتواند در همان بازجویی‌های اولیه با ارائه اسناد مثبته، اتهامات واهی را رد کرده و از تداوم قرار بازداشت یا توقیف اموال جلوگیری نماید[۲۱].

حق دسترسی به اوراق و محتویات پرونده نیز با موانع ساختاری جدی مواجه است. بازپرس پرونده به استناد ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در مواردی که مطالعه اوراق را منافی با کشف حقیقت دانسته یا پرونده را مشتمل بر اسناد محرمانه تلقی کند، می‌تواند متهم و وکیل وی را از دسترسی به تمام یا بخشی از پرونده منع نماید. در پرونده‌های مفاسد اقتصادی با توجه به حجم انبوه گزارش‌های واصله از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، استفاده از اختیارات ماده ۱۹۱ به رویه‌ای متداول بدل شده است. در نتیجه این رویکرد، متهم با ادله‌ای مورد استنطاق قرار می‌گیرد که نه خود و نه وکیلش فرصت بازخوانی، مطالعه کارشناسی و تطبیق آن‌ها با داده‌های مالی واقعی را نداشته‌اند که این امر توازن سلاح‌ها را به شکلی بارز برهم می‌زند[۲۲].

لذا سلب دسترسی به اسناد مالی پرونده به بهانه محرمانگی، دفاع متهم را در حد پاسخ‌گویی بر مبنای حدس و گمان تنزل می‌دهد، در حالی که اسناد تجاری اصولاً ماهیت امنیتی ندارند؛ لذا ضرورت دارد موازین روشنی تدوین گردد تا جز در موارد استثنایی و احراز خطر جانی یا امنیت ملی، دسترسی کامل به گزارش‌های حسابرسی و ادله عینی از همان بدو تحقیق برای متهم و مشاورانش تضمین شود.

محدودیت‌های حقوق دفاعی متهم

مجموعه اقدامات تامینی و شیوه‌های ویژه اخذ توضیح در دادسرای ویژه جرایم اقتصادی، موجد اعمال زنجیره‌ای از محدودیت‌های استثنایی بر حقوق متهم است. صدور قرارهای بازداشت موقت طولانی‌مدت به استناد ضرورت‌های کشف شبکه مجرمانه و جلوگیری از امحاء اسناد، نخستین محدودیت سنگین است که امکان تحرک، مراجعه به بایگانی شرکت‌ها و گردهم‌آوری مدارک را از شخص تحت تعقیب سلب می‌کند. نگهداری انفرادی متهم در بازه‌های زمانی معین جهت انجام بازجویی‌های فنی توسط ضابطان خاص، از دیگر مواردی است که قدرت روانی و توان دفاعی فرد را در برابر نهاد تعقیب به شدت تضعیف می‌نماید[۲۳].

محدودیت دیگری که حقوق دفاعی را تحت فشار قرار می‌دهد، تحدید آزادی ارتباطات و مکاتبات متهم است. مسدودسازی کلیه ابزارهای ارتباطی، پلمب دفاتر کاری بدون ارائه نسخه کپی از اسناد به متهم و عدم امکان استفاده از نظر کارشناسان رسمی منتخب متهم در مراحل اولیه، سبب انحصار فرآیند ادله‌یابی در اختیار ضابطان و کارشناسان دولتی می‌شود. علاوه بر این، در مواردی متهم به دلیل توقیف کلیه حساب‌ها و دارایی‌ها حتی توان مالی پرداخت حق‌الوکاله یا هزینه‌های ارجاع امر به کارشناسی را از دست می‌دهد که این مسدودسازی فراگیر، فلج شدن کامل ابزارهای دفاعی وی را رقم می‌زند[۲۴].

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

به باور نگارنده، توسعه نامتوازن اختیارات بازپرس در اعمال محدودیت‌های تامینی بدون پیش‌بینی ضمانت‌های جبرانی برای متهم، دفاع را در موضع انفعال مطلق قرار داده و فرآیند دادرسی را به یک‌سویگی مفرط هدایت می‌کند؛ لذا تحدید حقوق بنیادین فرد در مرحله تحقیق باید مقید به مهلت‌های زمانی کوتاه، ضرورت‌های غیرقابل اجتناب و نظارت مستمر مراجع نظارتی مستقل باشد تا از تبدیل تدابیر تامینی به ابزار تحمیل مجازات پیش از صدور حکم جلوگیری به عمل آید.

چالش‌های تقنینی و ساختاری

سازوکار دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی در نظام حقوق کیفری ایران، در محیطی اعمال می‌شود که از حیث موازین قانونی و سازمان‌دهی تشکیلاتی با معضلات بنیادینی دست‌به‌گریبان است. چالش‌های تقنینی عمدتا ناشی از نوع نگرش مقنن به پدیده جرایم اقتصادی به عنوان بحران‌های مقطعی است، که این امر به تولید متونی شتاب‌زده، چندپاره و ناهمگون منجر گردیده است. این آشفتگی در عرصه تقنین، مستقیما به عرصه ساختار سازمانی و مراجع رسیدگی سرایت نموده و تفکیک حوزه‌های صلاحیت را با گره‌های قضایی پیچیده روبه‌رو ساخته است[۲۵].

از بعد ساختاری نیز، نهادهای قضایی و ضابطان کیفری با ساختارهای اداری سنتی و آموزش‌ندیده در صدد مواجهه با ابزارهای مالی مدرن هستند. نبود مراجع رسیدگی به معنای واقعی کلمه تخصصی که واجد استقلال و تجهیزات حسابرسی جنایی باشند، سبب شده که تفکیک میان صلاحیت مراجع عام، اختصاصی و مراجع شبه‌قضایی به یکی از منابع اصلی اطاله دادرسی مبدل شود. این هم‌پوشانی سازمانی غالبا موجب اتلاف منابع، تکرار اقدامات تحقیقی و در نهایت سردرگمی مراجعین به دستگاه قضایی می‌گردد[۲۶].

علاوه بر این، فقدان انسجام میان دو لایه قانون‌گذاری ماهوی و شکلی، بستر تعارضات ساختاری را تشدید نموده است؛ به نحوی که صلاحیت‌های تعیین‌شده در قوانین ماهوی، همواره با الزامات و تشریفات عام مندرج در آیین دادرسی کیفری همخوانی ندارد. این گسست ساختاری ایجاب می‌کند که پیش از هر اقدام ترمیمی، موانع نهفته در تاروپود متون قانونی و تشکیلات قضایی به دقت واکاوی شوند تا مبنای انحرافات بعدی در فرایند احقاق حق به روشنی مشخص گردد[۲۷].

همچنین، باید اذعان داشت که ساختارهای نظارتی موجود نیز توانایی کنترل موازی این فرایندهای افتراقی را نداشته و موجب ناترازی در موازنه قوا میان نهاد تعقیب و متهم می‌شوند. تجمیع اختیارات تحقیقی، امنیتی و قضایی در بخش‌هایی از ساختار رسیدگی، سلامت تصمیم‌گیری حقوقی را تحت تاثیر قرار داده و اعتماد عمومی به بی‌طرفی ارکان دادرسی را دچار فرسایش می‌سازد.

چالش‌های ساختاری

ساختار دادرسی جرایم اقتصادی در ایران از تعارضات بنیادین در تقسیم وظایف و فقدان نظام‌مند بودن مراجع رسیدگی رنج می‌برد. چالش‌های ساختاری، فراتر از ابهامات متون تقنینی، ریشه در نظام تشکیلاتی دارد که میان مراجع عام و اختصاصی به نحو کارآمدی تفکیک صورت نگرفته است. در این میان، دستگاه قضایی با بهره‌گیری از مدل‌های رسیدگی سریع، به جای بازطراحی ساختار تخصصی، به ایجاد شعب ویژه اکتفا نموده که خود به ناهماهنگی در نظام توزیع صلاحیت‌ها دامن زده است. این وضعیت ساختاری، علاوه بر کاهش سرعت در رسیدگی، موجب سردرگمی اصحاب دعوا در تعیین مرجع صالح گردیده و مدیریت پرونده‌های کلان را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد[۲۸].

چالش‌های دادرسی و حقوق دفاعی متهم

در پرتو دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی، حقوق دفاعی متهم با چالش‌های

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

نوظهوری روبه‌رو است که ناشی از تقابل میان ضرورت‌های سرکوب جرم و الزامات دادرسی عادلانه می‌باشد. در این دادرسی‌ها، به دلیل ماهیت پیچیده جرایم مالی و گستره اثرات آن، مراجع قضایی تمایل دارند اختیارات گسترده‌تری برای ورود به حریم خصوصی تجاری و توقیف اموال اعمال نمایند که این گرایش می‌تواند به راحتی حقوق بنیادین دفاعی را تحدید نماید. حفظ توازن میان اقتدار نهاد تعقیب و مصونیت حقوق دفاعی، سنگ‌بنای عدالت کیفری در حوزه جرایم اقتصادی است که در رویه‌های موجود به دفعات نادیده گرفته شده است. چالش اصلی در اینجا، فروکاستن حقوق دفاعی به تشریفات صوری است؛ به طوری که در بسیاری از پرونده‌ها، علیرغم وجود وکیل و حق دفاع، متهم به دلیل فقدان دسترسی به اطلاعات مالی که مبنای اتهام است، قادر به تدارک دفاع موثر نمی‌باشد. دادرسی عادلانه مستلزم آن است که متهم از ابزارها و اطلاعات مشابهی با نهاد تعقیب برای دفاع از خود برخوردار باشد، اصلی که در جرایم اقتصادی به دلیل غلبه رویکرد امنیتی بر رویکرد قضایی، به حاشیه رانده شده است[۲۹].

علاوه بر این، استفاده از قرارهای تامینی سنگین و بازداشت‌های طولانی‌مدت در پرونده‌های اقتصادی، به عنوان ابزاری برای فشار جهت اخذ اقرار یا همکاری، به رویه‌ای معمول تبدیل گردیده که نقض آشکار اصل برائت است. این رویه‌ها، فراتر از جنبه‌های شکلی، بر ماهیت دادرسی تاثیر گذاشته و آن را از یک فرایند قضایی مبتنی بر دلیل، به یک فرایند مبتنی بر فشار مبدل ساخته است. تحلیل دقیق این چالش‌ها، ضرورت بازنگری در موازین دادرسی کیفری ایران را به منظور تضمین حقوق دفاعی بیش از پیش آشکار می‌سازد[۳۰].

ایضا، بررسی چالش‌های تحقیقات مقدماتی و موانع دسترسی به اطلاعات، بخشی از یک کلان‌نظام است که باید در راستای ارتقای استانداردهای دادرسی منصفانه اصلاح گردد. تنها با تضمین حقوق دفاعی است که می‌توان اطمینان یافت تصمیمات قضایی در حوزه جرایم اقتصادی دارای وجاهت قانونی و اخلاقی بوده و از برخوردهای سلیقه‌ای به دور مانده‌اند. در ادامه، این مبحث به واکاوی جزئیات این چالش‌ها در تحقیقات مقدماتی و محدودیت‌های ادله مالی می‌پردازد.

نتیجه گیری

بازخوانی هنجاری سازوکارهای دادرسی افتراقی در قلمرو جرایم اقتصادی نمایانگر آن است که تمایل فزاینده سیاست جنایی به اصالت‌بخشی به نتیجه و اعاده فوری منافع مالی آسیب‌دیده، بستر استحاله‌ی تدریجی اصول کلاسیک دادرسی منصفانه را فراهم آورده است. تحدید اختیارات دفاعی متهم، به حاشیه راندن اصل تساوی سلاح‌ها در مراحل تحقیقات مقدماتی، تسری غیرموجه قرارهای شدید بازداشت موقت و اعمال محدودیت در انتخاب وکیل تعیینی، توازن قضایی میان اصحاب دعوا را مخدوش ساخته است. این شیوه از دادرسی، هرچند در افق کوتاه‌مدت با توجیه تسریع در فصل خصومت و مقابله با مرتکبان یقه سفید توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد، لکن در چشم‌انداز کلان، به تنزل اعتبار ذاتی آرا و افول اعتماد عمومی به سازوکارهای قانونی کشف حقیقت عینی منجر می‌گردد؛ پیامدی که برونداد آن کاهش مشروعیت بنیادین عدالت کیفری است.چالش بنیادین دیگر به تسری ناصواب ادبیات مبهم، کشسان و غیرشفاف در توصیف عناوین مجرمانه اقتصادی مربوط می‌شود که مرزهای میان نقض تعهدات مدنی یا رفتارهای پرریسک تجاری با جرایم مخل نظام اقتصادی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. عملکرد مراجع اختصاصی کیفری که غالبا با رویکردهای امنیت‌مدار همراه است، موجب شده تا اصل تفسیر مضیق نصوص جزایی به نفع متهم نادیده انگاشته شود و کنشگران حوزه کسب‌وکار در فضایی از عدم قطعیت حقوقی قرار گیرند. این تفوق

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

نگاه امنیتی بر ساحت حقوق بازرگانی نه تنها اهداف بازدارندگی عام را محقق نمی‌سازد، بلکه زمینه‌ساز خروج سرمایه‌ها و توقف گردش سالم اعتبارات پولی در چرخه تولید ملی می‌شود؛ امری که ضرورت ترسیم معیارهای دقیق قانونی جهت تفکیک تقصیر مدنی و تجاری از رفتارهای عامدانه مجرمانه را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بدل می‌سازد.

استقرار یک نظام جامع و منسجم عدالت کیفری اقتصادی نیازمند بازنگری بنیادین در الگوهای دادرسی ویژه و ایجاد هم‌گرایی ساختاری میان اثربخشی تعقیب قضایی و تضمینات حقوق بشری محاکمه عادلانه است. تحقق این هدف در گرو بازتعریف صلاحیت مراجع رسیدگی، الغای محدودیت‌های ناموجه در فرآیند تجدیدنظرخواهی، احیای نقش محوری اصل برائت در تمام مراحل دادرسی و پرهیز از تمدیدهای ادواری سازوکارهای استثنایی موقت است. افزون بر این، ارتقای آموزش‌های تخصصی قضات در قلمروهای پیچیده مالیاتی، بانکی و بورسی می‌تواند فرآیند احراز ارکان جرم را از اتکای صِرف به شیوه‌های پلیسی به ارزیابی‌های فنی و حسابرسی‌های قضایی پیشرفته تغییر دهد تا بدین سان، عدالت ماهوی بدون قربانی ساختن اصول دادرسی شکلی صیانت گردد.

[۱] - جوانمرد، بهروز (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری اختصاصی (افتراقی) در جرایم سازمان‌یافته فراملی، تهران: انتشارات جنگل، ص ۴۱
[۲] - نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹)، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات جنگل، ص ۲۹
[۳] - نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، از جرم یقه سفیدی تا جرم اقتصادی، ترجمه: اسماعیل رحیمی نژاد، تهران: انتشارات میزان، ص ۵۶
[۴] - ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: نشر میزان، ص ۴۷
[۵] - آقا بابایی، حسین (۱۳۹۰)، توانمندسازی عمومی و پیشگیری اجتماعی از فساد اقتصادی، مجموعه مقالات همایش ملی علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، جلد دوم، چاپ دوم، ص ۷۱
[۶] - توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ص ۶۹
[۷] - خالقی، علی (۱۴۰۰)، آیین دادرسی کیفری کاربردی، تهران: انتشارات شهر دانش، ص ۴۵
[۸] - درزی‌نژاد رمی، میثم (۱۴۰۱)، نگاهی به جرایم اقتصادی مبتنی بر حقوق کیفری اقتصادی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، سال یکم، شماره ۳، ص ۱۱۶
[۹] - سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره دهم، شماره سوم، ص ۱۶۴
[۱۰] - امینیان، حمیدرضا (۱۴۰۳)، آیین دادرسی افتراقی جرم اخلال در نظام اقتصادی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور واحد دامغان، ص ۵۴
[۱۱] - سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۸)، دادرسی افتراقی جرایم منافی عفت؛ از مقتضی تعقیب تا صلاحیت سازمانی، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره شانزدهم، شماره ۱۸، ص ۱۶۱
[۱۲] - چینی، حبیب (۱۳۸۲)، امکانات، محدودیت-ها، فرصت-ها و تهدیدات دربرابر امنیت اقتصادی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش-های بازرگانی،

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

ص ۶۱
[۱۳] - کلانتری، کیومرث و همکاران (۱۳۹۹)، ارزیابی نهادها و شیوه‌های افتراقی کشف جرایم اقتصادی در نظام کیفری، فصلنامه مطالعات راهبرد ناجا، سال پنجم، شماره هفدهم، ص ۹۲
[۱۴] - موذن‌زادگان، حسنعلی و همکاران (۱۳۹۸)، کاربست آیین دادرسی کیفری افتراقی نسبت به اشخاص حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۲۹، ص ۴۵
[۱۵] - درودیان، مسعود (۱۴۰۰)، الزامات و ظرفیت‌های دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران (در پرتو تحولات قوانین کیفری داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۸۱
[۱۶] - میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ سی و پنجم، تهران: انتشارات میزان، ص ۶۷
[۱۷] - درودیان، مسعود (۱۴۰۰)، الزامات و ظرفیت‌های دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران (در پرتو تحولات قوانین کیفری داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۷۵
[۱۸] - سیفی، آناهیتا؛ نوظهور، جبرئیل (۱۴۰۲)، امنیت گرایی و تحدید حق دفاع متهم در جرایم اقتصادی (چالش‌ها و راهکارها)، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق کیفری، دوره ۱۲، شماره ۴۴، ص ۵۷
[۱۹] - صالحی، محمد خلیل و همکاران (۱۴۰۳)، اثرسنجی ایرادات توصیف جرایم اقتصادی بر دادرسی افتراقی آن در پرتو آرای قضایی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۳۰، شماره ۱۱۱، ص ۱۵۴
[۲۰] - ضیائی چاهگاهی، سید یاسر و همکاران (۱۴۰۱)، افتراقی شدن دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی؛ مبانی، ضرورت و ضوابط، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۹، ص ۳۰۸
[۲۱] - آشوری، محمد (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات سمت، ص ۵۲
[۲۲] - بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ص ۷۵
[۲۳] - باقرزاده، احد (۱۳۸۳)، جرایم اقتصادی و پول-شویی در پیش-نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مالی و سایر اسناد بین المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ص ۳۸
[۲۴] - خان‌علی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۹۷)، کنشگران فرایند قانون‌گذاری کیفری ایران در حوزه فساد و جرایم اقتصادی، در: سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش امیرحسن نیازپور، تهران: انتشارات میزان، ص ۵۴
[۲۵] - سیفی، آناهیتا؛ نوظهور، جبرئیل (۱۴۰۲)، امنیت گرایی و تحدید حق دفاع متهم در جرایم اقتصادی (چالش‌ها و راهکارها)، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق کیفری، دوره ۱۲، شماره ۴۴، ص ۷۹
[۲۶] - وفادار، حسین؛ بهرامی، سهراب (۱۳۹۵)، چالش-های مبارزه با جرائم اقتصادی و راهکارهای پیشنهادی، فصلنامه پژوهش-های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره اول، ص ۱۵۳
[۲۷] - سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره دهم، شماره سوم، ص ۱۶۸
[۲۸] - اسعدی، سیدحسن (۱۳۸۶)، جرایم سازمان‌یافته فراملی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ص ۵۸
[۲۹] - صفری، صادق و همکاران (۱۴۰۲)، بررسی تاثیر شخصیت

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

مجرمین یقه سفید در پیش-بینی دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی (تحلیل نگرش نخبگان جامعه)، دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۳۰، شماره ۲۳، ص ۴۰

[۳۰] - آشوری، محمد (۱۳۹۵)، حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ص ۹۱

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

منابع

- اسعدی، سیدحسن (۱۳۸۶)، جرایم سازمان‌یافته فراملی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان
- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت
- آشوری، محمد (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات سمت
- آقا بابایی، حسین (۱۳۹۰)، توانمندسازی عمومی و پیشگیری اجتماعی از فساد اقتصادی، مجموعه مقالات همایش ملی علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، جلد دوم، چاپ دوم
- امینیان، حمیدرضا (۱۴۰۳)، آیین دادرسی افتراقی جرم اخلال در نظام اقتصادی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور واحد دامغان
- باقرزاده، احد (۱۳۸۳)، جرایم اقتصادی و پول-شویی در پیش-نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مالی و سایر اسناد بین المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد
- بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
- توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری اختصاصی (افتراقی) در جرایم سازمان‌یافته فراملی، تهران: انتشارات جنگل
- چینی، حبیب (۱۳۸۲)، امکانات، محدودیت-ها، فرصت-ها و تهدیدات دربرابر امنیت اقتصادی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش-های بازرگانی
- خالقی، علی (۱۴۰۰)، آیین دادرسی کیفری کاربردی، تهران: انتشارات شهر دانش
- خان‌علی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۹۷)، کنشگران فرایند قانون‌گذاری کیفری ایران در حوزه فساد و جرایم اقتصادی، در: سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش امیرحسن نیازپور، تهران: انتشارات میزان
- درزی‌نژاد رمی، میثم (۱۴۰۱)، نگاهی به جرایم اقتصادی مبتنی بر حقوق کیفری اقتصادی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، سال یکم، شماره ۳
- درودیان، مسعود (۱۴۰۰)، الزامات و ظرفیت‌های دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران (در پرتو تحولات قوانین کیفری داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)
- درودیان، مسعود (۱۴۰۰)، الزامات و ظرفیت‌های دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران (در پرتو تحولات قوانین کیفری داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)
- سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره دهم، شماره سوم
- سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره دهم، شماره سوم
- سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۸)، دادرسی افتراقی جرایم منافی عفت؛ از مقتضی تعقیب تا صلاحیت سازمانی، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره شانزدهم، شماره ۱۸
- سیفی، آناهیتا؛ نوظهور، جبرئیل (۱۴۰۲)، امنیت گرایی و تحدید حق دفاع متهم در جرایم اقتصادی (چالش‌ها و راهکارها)، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق کیفری، دوره ۱۲، شماره ۴۴
- سیفی، آناهیتا؛ نوظهور، جبرئیل (۱۴۰۲)، امنیت گرایی و تحدید حق دفاع متهم در جرایم اقتصادی (چالش‌ها و راهکارها)، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق کیفری، دوره ۱۲، شماره ۴۴

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

- صالحی، محمد خلیل و همکاران (۱۴۰۳)، اثرسنجی ایرادات توصیف جرایم اقتصادی بر دادرسی افتراقی آن در پرتو آرای قضایی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۳۰، شماره ۱۱۱
- صفری، صادق و همکاران (۱۴۰۲)، بررسی تاثیر شخصیت مجرمین یقه سفید در پیش-بینی دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی (تحلیل نگرش نخبگان جامعه)، دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۳۰، شماره ۲۳
- ضیائی چاهگاهی، سید یاسر و همکاران (۱۴۰۱)، افتراقی شدن دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی؛ مبانی، ضرورت و ضوابط، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۹
- کلانتری، کیومرث و همکاران (۱۳۹۹)، ارزیابی نهادها و شیوه‌های افتراقی کشف جرایم اقتصادی در نظام کیفری، فصلنامه مطالعات راهبرد ناجا، سال پنجم، شماره هفدهم
- موذن‌زادگان، حسنعلی و همکاران (۱۳۹۸)، کاربست آیین دادرسی کیفری افتراقی نسبت به اشخاص حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۲۹
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ سی و پنجم، تهران: انتشارات میزان
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، از جرم یقه سفیدی تا جرم اقتصادی، ترجمه: اسماعیل رحیمی نژاد، تهران: انتشارات میزان
- نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹)، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات جنگل
- وفادار، حسین؛ بهرامی، سهراب (۱۳۹۵)، چالش-های مبارزه با جرائم اقتصادی و راهکارهای پیشنهادی، فصلنامه پژوهش-های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره اول
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: نشر میزان